

# انقلاب ارزشها

در دنیا انقلابهای متعدد و متفاوتی رخ داده است. هر یک از آن انقلابها نظام آرمانی خود را بنیاد نهاده و ارزشهای خاص خود را تحقق بخشیده است. در هر قلمرو و جهتی که انقلاب سیر نموده و بنیانگزاران باور داشته‌اند، انقلاب نام و شکل و شعار خود را یافته است.

انقلاب اسلامی ایران نمونه منحصری است که از اسلام ریشه گرفته و در صدد است ارزشهای اسلامی را حاکمیت بخشد. اینکه گفتیم نمونه منحصر است به این معنی است که در برخی انقلابها گرچه نام و نشان از اسلام نیز هست، اما اندیشه و عقیده دیگری نیز در انقلاب روئیده و در نظام

\* آنانی که خود را به انقلاب و امام پیوند زدند، بهمان اعتبار عزت یافتند و به عالیترین مقام نیز در جمهوری اسلامی رسیدند و هنگامیکه خود را محور ارزشها تلقی نمودند و خواستند انقلاب را فدای خود کنند در زیر لگدمردم افتادند و مردم محبت و عزت آنها را از صفحه ذهن و از زبان تراشیدند.



اجتماعی نقشی یافته است. به عنوان مثال در قانون اساسی مصوب ۱۹۷۶ الجزایر می خوانیم «سوسیالیسم که کلمه بکلمه باروخ منشور ملی مطابقت دارد تصمصم انقلاب اول نوامبر ۱۹۵۴ و ادامه منطقی آن است، انقلاب الجزایر سوسیالیستی است. هدف آن از بین بردن استثمار انسان توسط انسان و شعار آن، بدست خلق و برای خلق، می باشد» (۱) هر انقلاب می گوشت نظامی از ارزش های متناسب با خود را تحقق بخشد. و مدعی است که به مسائل معنوی نیز توجه لازم را دارد.

در ماده ۱۵ قانون اساسی شوروی می خوانیم: هدف والای تولید اجتماعی در سوسیالیسم عبارت است از ارضای هر چه کاملتر نیازمندیهای روز افزون مادی و معنوی مردم.

اینکه انقلاب سوسیالیستی الجزایر تا چه درجه ای توفیق یافته تا استثمار انسان از انسان را از بین ببرد و یا انقلاب اکثر روسیه تا به امروز چگونه نیازمندیهای معنوی مردم را تأمین نموده است، خود سخنی دیگر است.

سخن ما این است که انقلاب اسلامی ایران بر کدام پایه بنیاد نهاده شده، به عبارت دیگر علل محدثه و علل مقبیه انقلاب کدامند. این سوال از این جهت حائز اهمیت بسیار است که امروز باحسرت شاهدیم و می بینیم که چگونه انقلابها از درون خالی شده اند و مثل کوزه سفالی در آنها تنها بانگی مانده است. و ما باید چه کنیم که در گذر سالهای پس از انقلاب یکباره نبینیم، آرمانهای انقلاب به نیسان سپرده شده و بسکه بیستند پراو برگ و سواز

گرتو بینی شناسیش باز سرنوشت تمامی انقلابها حاکی از این تجربه تلخ است. که ارزش و کرامت انسان مسکوت مانده گرچه ظواهر تغییر یافته و گاه روابط تولید و مناسبات اجتماعی دگرگون شده، اما انسان به عنوان موضوع انقلاب که قرار بوده زندگی او و اندیشه و آرمان او اصالت پیدا کند امروزه می بیند در پیچایب بن بستی افتاده و سنگ و سدی بر راهش رونیده و نهایتا جان او دچار دغدغه است و آرام نیست.

چگونه است که هر کس در هر گوشه جهان اگر خالی از پیشدلووری های تحمیلی باشد با شنیدن نام امام و انقلاب اسلامی از شور و نشاط سرشار می شود؟

در سمینار هفته وحدت که در سریلانکا برگزار شده بود. یکی از برادران مسلمان سیاهپوست که اهل سیرالئون بود می گفت:

«امام به من بگوید برو میروم، بمیرم می میرم. چونکه میدانم امام حرف خدا را می زند دریا را که در مقابل دیدگانمان بود نشان میداد و می گفت امام بگوید برو میان دریا می روم»

**\* در سمینار هفته وحدت**  
**که در سریلانکا برگزار شده بود.**  
**یکی از برادران مسلمان**  
**سیاهپوست که اهل سیرالئون بود**  
**می گفت: «امام به من بگوید**  
**برو، میروم - بگوید بمیرم،**  
**می میرم - چونکه میدانم امام**  
**حرف خدا را می زند...»**

ومن یاد هارون مکی یار امام صادق علیه السلام افتاده بودم که امام به او فرمود برو میان آتش را و او رفت و در میان آتش نشست.

در کوچه و خیابانهای خودمان، درجهه و جمعه شا شاهد انسانهایی هستیم که هستی خود را برای انقلاب و اسلام و امام ایثار می کنند و کمترین مزد و سنتی هم ندارند. یکی از برادران پاسدار را که اهل زنجان بود، در بیمارستان دیدم. نامش حسنلو بود، هر دو پایش را درجهه و در دفاع از انقلاب اسلامی از دست داده بود. آنچنان وقار و اطمینان و اعتماد در سیما و در نگاهش بود که میبوت شده بودم، می گفت:

«اگر در روز قیامت خدایوند از ما بپرسد: پاداشتن چنین رهبری چرا آدم تشدید! چه جوابی می شود داد. منکه از خودم خجالت می کشم. من شایسته اینهمه لطف و عنایت خدای رحمان نیستم»

از این نمونه ها مثل حسنلو در ایران و مثل آن برادر سیاهپوست سیرالئون بسیار می توان یافت این نمونه ها نمودار معنویت و مبین ارزشهای حاصل از انقلاب اسلامی است.

انقلاب اسلامی به تعبیر قرآن کریم چهره جان انسانها را بسوی دین حنیف قرار داده است. در آئینه دل مردم یاد خداوند تأیید و آله آکی بر آن نقش بسته است. درین چهارسال که از انقلاب گذشته، می بینیم برغم دشواریهای بسیار و عقبه های سهمگین که انقلاب آنها را سیری نموده است آنچه هواره جوهر انقلاب را زنده و پویا نگاهداشته

و حافظ انقلاب بوده است. معنویت انقلاب است. انقلاب مثل یک بیکره سالم و پر نشاط هرگونه بیوند ناسالم و ناخالص و هر غذای ناجوری را بدون خود راه نداده و ناخالصیها را برور برکنار نموده است.

میگویند در روز قیامت که همه مردم محشور می شوند بانگ زده می شود گناهکاران، شرابخوران... و غنه ای هر چند سعی می کنند بر خاک بمانند و در خاک پای می فشردند. اما گناه آنان آنها را از زمین می کند به هوا پرت می شوند و همه مردم دنیا از اول تا به آخر آنان را می بینند. جاذبه و دافعه انقلاب اسلامی نیز مثل قیامت می ماند. آنانی که خود را به انقلاب و امام بیوند زدند. بهمان اعتبار عزت یافتند و به عالیترین مقام نیز در جمهوری اسلامی رسیدند و هنگامیکه خود را محور ارزش ها تلقی نمودند و خواستند انقلاب را فدای خود کنند در زیر لگد مردم افتادند و مردم محبت و عزت آنها را از صفحه ذهن و از زبان تراشیدند. علی که موجب شد انقلاب ما به پیروزی برسد و نظام جمهوری اسلامی برقرار شود. مثل الماسی می ماند که تراش های متعدد خورده باشد. در عین اینکه می شود چند تراش را از یکدیگر تمیز داد اما هر یک بدون دیگری بی معنی و نامفهوم خواهد بود. عنصر رهبری و عنصر مردم و ایثار، ولایت، وحدت و شهادت هر سه در بر تو مکتب معنی درست خود را یافتند.

رهبر با دلهای مردم سخن می گفت. و مردم سخن رهبر را با گوش جان می شنیدند و جان و مال و وزن و فرزند و خانمان خود را فدای اسلام می نمودند.

اگر در انقلابها شکل ظاهری جامعه و سازمان اجتماعی و بافت حکومت دگرگون شده. در انقلاب اسلامی جان انسانها متحول شده است. و مردم در نخستین گام خود را از استخفاف فرعون نجات داده اند. و بدون چنین رهایی هیچ انقلاب و نهضتی به ثمر نخواهد رسید. و سرانجام آرمان و اهدافش به نیسان سپرده می شود.

امام اول معلم اخلاق است و بعد معلم انقلاب، وقتی حرکتی برمدار و محور حرکت انبیاء سامان پذیرفت، و مردم رهبری و ولایتی را پذیرفتند که آنان را در مسیر خداوند قرار داد. پیروزی از آن مردم خواهد بود. مردمی که نخست بر خود پیروز شده اند و پیروزی خداوند که امداد ملکوتی و تأیید قسمی او بواسطه تجلی اسماء و صفات خدایوندی است از آن مردم خواهد بود و فتح فتح مطلق که «لافتح و راء» از آن آنان خواهد گشت و حیات فتحی فتح باب حضرت احدیت خواهد بود.

پلورقی

۱- قانون اساسی الجزایر ماده ۱۰

۲- تفسیر القرآن الکریم ابن عربی المجله آلمانی ص ۸۶۵